

نگاهی به فهرست جشنواره امسال که
ببندازیم، پر است از چهره‌های مختلف اما
باز هم جشنواره در قرق جوان‌هاست

سیمرغ، پرا!

این دیگر یک اتفاق نیست؛ اینکه در اختتامیه جشنواره فیلم فجر، هیات داوران که بیشترشان مویشان را در سینما سفید کرده‌اند از بین چند جوان، یک جوان را صدا بزنند تا بیاید سیمرغ بهترین بازیگر را بگیرد. امسال هم وقتی فهرست نهایی بخش مسابقه سینمای ایران که شاه‌بیت جشنواره است اعلام شد همه رفتند سراغ پرکارترین بازیگرها؛ فهرستی که همه گزینده‌هایش یک جورهایی جوان هستند. اینکه چرا آدم‌های این فهرست این قدر محدودند جای خود و اینکه چرا آدم‌های باسن‌وسال‌تر، معمولاً چندان پر فروغ نیستند بحث جداگانه‌ای می‌طلبد اما نکته بامزه این است که طایفه جوان‌ها در جشنواره امسال با جرات عجیبی نقش‌های متفاوت و گرم‌های متمایزی را انتخاب کرده‌اند. این پرونده نگاهی است به جوان‌هایی که باروش‌های جورواجور جشنواره را پاتوق کرده‌اند. سیمرغ بیست‌وهفتم در شب تولد نسی سالگی انقلاب، روی دوش کدام‌یک از آنها می‌نشیند؟

■ گروه سینما و تلویزیون

در این پرونده می‌خوانید:

پرکارترین‌های جوان
صدسال
به این سال‌ها



اخراجی‌های جوان
پشت دیوار سیمرغ



پدیده‌های جوان
غافلگیری روی پرده



ناشناخته‌های جوان
خوش آمدید





فروتن: صادقانه بگویم که اصلا کلمه سوپرستار را دوست ندارم. شاید اوایل دوستش داشتم، برآیم جالب بود اما فوق ستاره... (مکت می کند) ستاره آدمی است که از عشق آدم‌ها می‌درخشد. نمی‌دانم چه کلمه‌ای را به جای سوپرستار بگذارم اما کلمه‌های فارسی مثل محبوب را بیشتر دوست دارم.

فروتن از خوانندگی و بازیگری می‌گوید تصویر و صدای خودم را دوست ندارم

می‌توانید بگویید فروتن چه ایرادی در بازیگری‌اش دارد؟
تصویر و صدایم را دوست ندارم. کمتر پیش می‌آید سکانسی را که بازی کرده‌ام دوست داشته باشم. حتی برای اولین بار که فیلم «شب یلدا» را در استودیو دیدم، هنگام برگشت توی ماشین از بازی خودم حالم بد شد. فیلم‌های اولم که دیگر فاجعه بود؛ از دیدن بازی‌هایم گریه‌ام می‌گرفت. حالا چطور؟ باز یگر موفقی هستی؟
اگر نظر شخصی خودم را بخواهید، من نه در قیاس با دیگر بازیگران بلکه در قیاس با مقوله بازیگری خیلی کوچک هستم.
گفتید صدایتان را دوست ندارید؟
باینکه الان گویندگی رادیو هم می‌کنم و از ۱۰ سال پیش تا الان هم قصه‌های شب می‌گویم ولی صدایم را که می‌شنوم از رده می‌شوم.
اما شنیده‌ایم خوانندگی را خیلی دوست دارید...
خوانندگی را دوست دارم. خوانندگی را بیشتر از صدایم دوست دارم. بیش از ۱۰ سال است که نتوانسته‌ام یک کاست منتشر کنم؛ آن هم به خاطر اینکه هنوز آن تردید در من وجود دارد. دوست دارم صدایم تربیت شود و احساس کنم به جایی رسیده‌ام که می‌توانم.

این تضاد است. فروتن صدایتان را دوست ندارد اما خوانندگی را چرا.
ببینید، من صدایم را که می‌شنوم دوستش ندارم اما صدایم را موقع خواندن بهتر می‌پذیرم. فکر می‌کنم یک حس طبیعی و کلی است؛ یعنی همه آدم‌ها ممکن است صدای خودشان را دوست نداشته باشند.
چه کاری می‌کنید که ایرادهای خود را بر طرف کنید؟
سعی می‌کنم عاشق زیبایی‌هایم باشم، در لحظه در ست انتخاب کنم. سعی می‌کنم که واقع بین باشم ولی به هر جهت می‌دانم که تا آخر عمرم آدم بی‌ایراد و بدون اشتباهی نیستم.

و در عرصه بازیگری؟
بیشتر تمرین می‌کنم، بیشتر ورزش می‌کنم، بیشتر سعی می‌کنم روی کارم تمرکز داشته باشم تا درصد خطایم پایین بیاید اما چیزی که بیشتر موثر است، اینکه وقتی نسبت به نقشی شور داری، عشق داری، علاقه داری، انگار همه چیز جور می‌شود و درصد خطاها کم می‌شود. عشق همیشه نیرویی بوده است که من را احیا کرده و به جلو برده است.

نمی‌توان روی این عرصه کارهای آکادمیک کرد؟
من خیلی خیلی مختصر روان‌شناسی خوانده‌ام و داشتن لیسانس روان‌شناسی هم کفایت نمی‌کند که بگویم روان‌شناسی را بلدم. بعد از اینکه دانشگاه را هم تمام کردم، علاقه داشتم بیشتر کتاب‌هایی را بخوانم که با خودم آشنا شوم. برای برخی نقش‌ها هم باید تحقیق کرد. بیشتر نقشی که سعی کردم آن را بشناسم، نقش احمدشاه در «شاه خاموش» بود که دوست داشتم بیشتر درباره او بدانم و در واقع مطالعه محدودی انجام دادم تا خصوصیات برجسته‌اش را بگیرم و آن را بازی کنم.

ظاهراً مرجع خاصی برای رفع ایراد بازیگری در ایران نداریم؟
وقتی می‌خواهی نقشه‌خوانی و کوهنوردی کنی نمی‌توانی این کار را بکنی. سوال شما این است که از طریق تحصیلات آکادمیک ایرادات را برطرف کنیم اما اصلاً نمی‌شود. مطالعه برخی مطالب شاید کمک کند اما مثل همان نقشه خواندن است که اصلاً دیگر کوهنوردی نمی‌کنی بلکه داری نقشه را می‌بینی و از کوه لذت نمی‌بری. نمی‌شود که بنشین و نقشه‌خوانی کنی و تصور کنی که کوهنوردی می‌کنی. باید بروی کوه که کار تمرین و مواجهه است؛ بازیگری مواجهه است یعنی در موقعیت که قرار می‌گیری، به‌تومی گوید چه عکس‌العملی باید نشان دهی. حالا یا به این درک می‌رسی که چه عکس‌العملی نشان دهی یا نمی‌رسی؛ مثلاً بعضی نقش‌ها دارای لپچه خاصی است و تو درک می‌کنی که باید چه کرد اما هماهنگی نقش و لپچه و دیالوگ و همه اینها با هم شرایط را دشوار می‌کند.

محمد رضا فروتن امسال با ۵ فیلم، پرکارترین بازیگر مرد جشنواره بیست و هفتم است او می‌گوید برایش مهم نیست که دوره ستاره بودنش تمام شود

مگر بازیگری چیه که حسرتش را بخورم؟

شهاب محمدی - پوریا تابان

بد هم داشته اما هنوز هم خیلی‌ها منتظرند که او یکی از سیم‌رغ‌های جشنواره بیست و هفتم را به خانه ببرد.
می‌خواستیم با پر فروش‌ترین بازیگر مرد اکران‌های سال پیش، از احتمال‌های سیم‌رغ گرفتن حرف بزنیم و از فیلم‌هایی که امسال در جشنواره دارد اما راضی نشد و تاکید کرد که تا بعد از جشنواره و دیده شدن فیلم‌ها حرفی نمی‌زند. با محمد رضا فروتن درباره جریان بازیگری‌اش تا امروز حرف زدیم و نیز سینمای مورد علاقه‌اش. حرف‌های مفصل‌تر می‌ماند برای بعد از دیده شدن نقش‌های جدید فروتن در ۵ فیلم جدیدش؛ «شبانه‌روز»، «پستچی سه‌بار در نمی‌زند»، «پای پیاده»، «میزاک» و «عبار ۱۴» که همگی در بخش مسابقه حضور دارند.

محمد رضا فروتن همان‌طور که خودش می‌گوید وارد یک دوران جدید از بازیگری‌اش شده؛ دورانی که به نظر می‌رسد از بازی در فیلم‌های خاص فاصله گرفته و در فیلم‌های پر مخاطب‌تر بازی می‌کند.

از موقعی که من بازیگری را شروع کردم، سینمایی که دوست داشتم در آن فعالیت کنم، فیلم‌هایی بودند که بیشتر در دسته سینمای خاص‌تر قرار می‌گرفتند؛ سینمایی که قبلاً اسم خاصی نداشت و چند سالی است کلمه مثلاً «معناگرا» را به بخشی از آن اطلاق می‌کنند.

اما اگر بخواهیم پیچیده‌اش نکنیم و نخواهیم بگویم سینمای معناگرا، قطعاً من بازی در فیلم‌هایی را دوست دارم که به هر جهت معنی دارند و انسان احساس می‌کند که روح تماشاگر به نوعی از تماشای آنها لذت می‌برد و بینش و تفکر او تحت تاثیر قرار می‌گیرد. این فیلم‌ها را بیشتر از فیلم‌هایی که هیجانات و احساسات سطحی و خیلی دم دستی را دستمایه قرار می‌دهند، دوست داشتم و دارم. دوست داشتم خودم را در آن سینما هم جا بیندازم. از شروع کارم تا حالا سعی کرده‌ام کم‌کم جایی برای خودم در این نوع سینما باز کنم، با فیلم‌هایی مثل «زیر پوست شهر»، «شب یلدا» یا «رقص با رویا»ی محمود کلاری؛ منتها کسانی که بنیانگذار این سینما بودند معمولاً از بازیگر استفاده می‌کردند.

خیلی خیلی سخت بود که یک بازیگر در قالب ستاره بخواهد خودش را در این نوع سینما جا بیندازد. یاد می‌آید بحث‌های غربی از زمان فیلم «فرمز» با فریدون جیرانی داشتم. من دوست داشتم به شدت متفاوت کار کنم؛ متفاوت به این معنی که نقش‌های متفاوت بازی کنم چون الان متفاوت کار کردن معنای متفاوتی پیدا کرده؛ تبدیل به اصلی شده برای اینکه بازیگران قدرت‌نمایی کنند و بگویند ما می‌توانیم و قادریم که متفاوت کار کنیم. اما من به عنوان کسی که شغل بازیگری را انتخاب کرده بودم و دغدغه‌های بازیگری داشتم، فکر می‌کردم بازیگری یعنی اینکه کسی را که نیستی بازی کنی و برای تحقق این کار از وجود خودت کمک بگیری. در واقع از نظر من، بازیگری یعنی به قلمرویی پا می‌گذاری که دیگر خودت حضور

در جشنواره هفدهم فیلم فجر - درست ۱۰ سال پیش - سیم‌رغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد در دست جوان خوش‌چهره‌ای بود که می‌گفتند کشف کیومرث پوراحمد است در سریال تلویزیونی «سرنخ»؛ جوان خوش‌چهره‌ای که در «فرمز» فریدون جیرانی آن چنان به چشم آمد که خیلی‌ها با اطمینان می‌گفتند او تبدیل به ستاره جوانی می‌شود که سینمایمان کم دارد. پیش‌بینی‌ها درست از آب درآمدند و حالا بعد از ۱۰ سال از گرفتن اولین سیم‌رغ، محمد رضا فروتن در آستانه ۴۰ سالگی هنوز هم ستاره جوان سینماست؛ ستاره‌ای که گرچه رقیب‌هایی پیدا کرده، گرچه میان ۳۷ تجربه بازیگری‌اش، در کنار انتخاب‌های خیلی خوب و خوب، انتخاب‌های خیلی

در عکس‌هایی که این روزها از فیلم‌های جدیدتان می‌بینیم، محمد رضا فروتن، چهره همیشگی را ندارد؛ گریم‌هایش متفاوت و سنگین است. چطور شد تصمیم گرفتید از چهره همیشگی فروتن بگذرید و نقش‌هایی با گریم‌های متفاوت را قبول کنید؟

قبل از فیلم‌های جدیدم بیشتر بر این مسأله تکیه داشتم که از درون تغییر کنم. قبل از دعوت دنبال این مسأله بودم که رفتار بیرونی‌ام تحت تاثیر رفتار درونی‌ام باشد. معتقد نبودم بازیگری که قرار است بازیگر خوبی باشد حتماً باید بر گریم تکیه کند؛ تا اینکه بازی در «دعوت» پیش نهاد شد و نقش، نقش خوبی بود و دوستش داشتم. گریم خانم خیلی خوب بود و باعث شد بیشتر برای اجرای نقش مشتاق شوم. «دعوت» تجربه خوبی بود تا از گریم‌های مختلف استقبال کنم. شاید بشود گفت این دوره، دوره جدیدی در کارنامه بازیگری من است؛ دوره‌ای که بعد از ۱۴ سال حضور در سینما تصمیم گرفتم بازی در نقش‌هایی با گریم‌های متفاوت و مختلف را بپذیرم.

یعنی دلیل اصلی‌تان برای پذیرفتن این نقش‌ها فقط خاص بودن گریم‌ها بوده؟
به هر حال برای پذیرفتن هر کاری و برای بازی کردن در هر نقشی، یک دلیل عاشقانه نیاز است. آن دلیل عاشقانه می‌تواند ویژگی‌های نقش از جمله گریم، فیلمنامه، کارگردان یا گروه عوامل باشد. البته دلیل اصلی مطمئناً مضمون کار است؛ مضمونی که اجرای آن دغدغه‌ها باشد. اگر نقشی این ویژگی را داشته باشد و در عین حال گریم متفاوت و مناسبی هم داشته باشد، آن را می‌پذیرم.

برای گریم‌های نقش‌هایی که پذیرفته‌اید، خودتان هم نظری داشته‌اید؟ مثلاً در «پستچی سه‌بار در نمی‌زند» که گریمتان خیلی خاص است.

خوشبختانه در تمام فیلم‌هایی که گریم‌های ویژه داشتند با گریمورهای خوبی همکار بودم؛ به خصوص در «پستچی...» که طراحی گریم آقای ملکان آن قدر خوب بود که احتیاج به نظری نداشت. خیلی خوشحالم که یک گریمور جوان و حرفه‌ای در این حرفه حضور دارد.
وقتی به فهرست فیلم‌هایی که سال قبل در جشنواره داشتید و فیلم‌های امسال‌تان نگاه می‌کنیم، به یک نتیجه می‌رسیم؛ اینکه

این دوره، دوره جدیدی در کارنامه بازیگری من است؛ دوره‌ای که بعد از ۱۴ سال حضور در سینما تصمیم گرفتم بازی در نقش‌هایی با گریم‌های متفاوت را بپذیرم



فروتن امسال با بازی در فیلم‌های پر فروش مثل دعوت، کنعان وزن دوم سال خوبی را در زمینه اکران سپری کرد انکار این روند سال بعد هم ادامه دارد